

به نام خدا



سازمان بهمن‌پرستی کور

---

مجموعه گفتارهایی درباره رسانه و معلولیت

---

روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور

---

گردآوری: محمدامین زارعی

---

چاپ اول . پائیز ۱۳۸۸

---

مجموعه گفتارهایی درباره

# رسانه و معلولیت

## فهرست:

- درآمد / صفحه ۵

- گفتار نخست . دکتر مهدی منتظر قائم / صفحه ۷

- گفتار دوم . مجید مجیدی / صفحه ۱۵

- گفتار سوم . پوران درخشنده / صفحه ۱۹

- گفتار چهارم . دکتر فرید براتی سده / صفحه ۲۳

- گفتار پنجم . دکتر محمد کمالی / صفحه ۲۷

- گفتار ششم . دکتر محمد دهقان / صفحه ۳۳

- پژوهش . مطالعه بازنمایی چهره معلولان

در ۲۰ فیلم سینمایی ایرانی و خارجی / صفحه ۳۷

## درآمد

کتاب حاضر، حاوی مجموعه گفتارهایی است که در همایشی با عنوان «رسانه و معلولیت» ارائه شده است.

این همایش تخصصی به عنوان یکی از همایش‌های جنبی دومین جشنواره‌ی رسانه‌ی اجتماعی با عنوان «برای بهتر زیستن» در آذرماه ۸۷ و به مناسبت روز جهانی معلولان در محل تالار ابن خلدون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شده است.

هدف اصلی این همایش، بررسی آسیب‌شناسی و بازنمایی معلولیت در رسانه‌های جمعی اعم از مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما و ... بوده است.



گفتار نخست

دکتر مهدی منتظر قائم

عضو هیأت علمی گروه ارتباطات  
دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران

تغییر نگرش خانواده معلولان، ناشی از تغییر نگرش جامعه خواهد بود. جهاد اکبر را نه فیلم‌سازان و نه معلولان، بلکه والدین آنها انجام می‌دهند که شبانه‌روز خود را وقف این کودکان دوست‌داشتنی می‌کنند.

وارد کردن مبحث رسانه در نحوه بازنمایی معلولان و در تغییر کیفیت زندگی معلولان نه فقط واجب است بلکه متأسفانه با تأخیر در این عرصه وارد شده‌ایم.

نحوه تعامل رسانه‌ها و مطبوعات با معلولان و معلولیت قابل تأمل و مطالعه است که کوتاهی‌هایی هم درحوزه پژوهش و برنامه‌های دانشگاهی و رسانه‌ای در این زمینه شده است.

ما معمولاً از کنار برخی واژه‌ها و کلمات به سادگی می‌گذریم، اما بهتر است برای بررسی بازنمایی چهره واقعی معلولیت در رسانه‌ها و جامعه به این مفهوم بیشتر توجه کنیم. ما معلولان را یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنیم. گروه اجتماعی از نظر جامعه‌شناختی صرفاً یک کمیت نیست، بلکه برای تعدادی از مردم که قرار است سرشماری شوند، آمار و عدد کاربرد دارد. بنابراین منظورمان از گروه اجتماعی تعدادی از انسان‌هاست که درون یک کل از جامعه زندگی می‌کنند و مثل تمام گروه‌های دیگر که از ابعاد فیزیکی و روانی مختلف برخوردارند، اینها هم دارای حق و حقوق خاص خود هستند.

بطور کلی تاریخ بشر، انسانیت و تک تک انسان‌ها زاییده شده‌اند که مسیری از تکامل و تعالی را طی کنند. حال ممکن است نقطه شروع مسیر آنها از یکدیگر متفاوت باشد یعنی عده‌ای جلوتر و عده‌ای عقب‌تر باشند. عده‌ای دارای یک مزیت عمومی و عده‌ای دارای یک محرومیت از آن مزیت یا



دارای مزیت خاص باشند که دیگران از آن محروم باشند. به هر صورت باید متذکر شد که در این جامعه معلولان ما مثل تمام دنیا جمعی از انسان‌های ناقص نیستند بلکه انسان‌های کاملی هستند با ویژگی‌های فیزیکی ذهنی و حرکتی متفاوت.

برای نمونه در این بحث می‌توان حتی زنان را یک گروه اجتماعی دانست. همانطور که مردان یک گروه اجتماعی تلقی می‌شوند. اما در جامعه مردسالار، مردان اختیارات، قدرت و ثروت را در دست دارند، بنابراین مردان در اینجا معادل جامعه معرفی می‌شوند و زنان می‌شوند یک گروه اجتماعی خاص در حاشیه. لذا شاهدیم در تمام نزاع‌های اجتماعی در یک جامعه، گروه‌های مختلف بر اساس مزیت سنی، سرمایه‌ای، ایدئولوژیک و حتی وضع فیزیکی که در اختیار دارند سعی دارند انسان‌های مسلط، غالب و قدرتمند باشند و از طرفی انسان‌های فاقد این مزایا را به حاشیه می‌رانند و محروم می‌کنند. با این تعریف معلولان یک گروه اجتماعی از انسان‌های کامل هستند اما در مسیر زندگی از برخی مزایا محروم مانده‌اند که درمقابل از توان و مزایای دیگری برخوردار گردیده‌اند که نیاز به پرورش آنها وجود دارد.

موضوع کم‌توانی همان ماجرای مولانا از تصویر فیل در اتاق تاریک است. اگر انسان کامل را تصویر نهایی قلمداد کنیم، انسان نابینا یک تصویر است. انسان ناشنوا یک تصویر است. نه اینکه انسانی که تمام این ابعاد را دارد انسان کامل است. بلکه انسانیت به فیزیک نیست، به توان جسمی یا ذهنی نیست، و رای اینهاست که ذات انسانی محسوب می‌شود.

حال رسالت رسانه در برابر این گروه اجتماعی چیست؟

رسانه‌های جمعی وظیفه دارند در برابر تمام گروه‌های اجتماعی مثل

سالخوردگان، زنان، کودکان و معلولان، نیازهای اطلاعاتی این گروه‌ها را تأمین، نوع نگاه و وضعیتشان را منعکس نمایند. از درون این تعامل تودرتو و تاریخی بین گروه معلولان با جامعه به معنای انسان‌های دیگر و سازمان‌های بروکراتیک و اداری یک عرصه تعاملی ایجاد می‌شود که وضعیت گروه‌های اجتماعی را ارتقاء می‌دهد و برخورداری از مزایا، مواجهه با محرومیت‌ها و امکانات برابر برای رشد را در ابعاد مختلف عادلانه توزیع می‌کند. رسانه‌ها ابزاری برای کمک‌کردن به گروه‌های اجتماعی مانند معلولان هستند که در ذهن‌شان امکان موفقیت ریشه بدواند و احساس امیدواری توسعه یابد.

ما با استفاده از محتوای رسانه‌های جمعی و تولیدات سینما، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و اینترنت می‌توانیم با جامعه و مردم تعامل داشته باشیم. رسانه‌های جمعی در چهارراه فرایندهای ارتباطی قرار گرفته‌اند که مردم با مردم، معلولان با مردم، معلولان با گروه خودی و مسئولان را در ارتباط قرار می‌دهند. در مسیر ارتباط این بخش‌ها با یکدیگر پیام‌هایی به یکدیگر، به مسئولان و برنامه‌ریزان، به روشنفکران و دانشگاهیان ارسال می‌شود، تا نیاز و حقوق این گروه اجتماعی را بشناسیم. اینجاست که یک فرایند آموزشی و اطلاع‌رسانی بزرگ در خطوط ارتباطات افقی و عمودی با حضور رسانه‌ها شکل می‌گیرد و در نتیجه آن میزان هزینه‌ها، سیاست‌های حمایتی و درمانی دولت، نگرش‌های اجتماعی، اولویت‌های جامعه معلولان و سیاست‌های پژوهشی دانشگاهی شکل می‌گیرند.

نکته مهم دیگر این است که با بازنمایی صرف معلولیت در رسانه نمی‌توانیم به واقعیت جامعه معلولان دست یابیم. چراکه اول باید نظام تولید، عوامل تولید، سازمان تولید، و در سوی دیگر مصرف و مخاطب رسانه را هم در تحلیل‌ها

وارد کنیم. صرف توجه به محتوای رسانه‌های جمعی و نحوه بازنمایی به تنهایی کافی نیست و حتی مخاطره‌آمیز است. چراکه محتوا توسط سازمان‌ها یا افرادی با اهداف مشخص در راستای سیاست‌های سازمانی و انگیزه‌های خاص با سرمایه و بودجه خود تولید می‌شوند. همچنان که محتوایی که توسط مردان تولید می‌شود قاعدتاً نمی‌تواند چندان تأمین‌کننده نیازهای زنان باشد و بهره زیادی به آنها بدهد. بنابراین نظام، سازمان و عوامل تولید محتوا اهمیت دارند. به عبارت دیگر اگر دموکراسی سازمانی لحاظ نشده باشد به دموکراسی محتوایی نمی‌رسیم. نمی‌توانیم بازنمایی صحیحی از جامعه و جهان معلولان داشته باشیم مگر آنکه معلولان در نظام و سازمان تولید محتوا و اطلاعات نقش داشته باشند. مگر آنکه در رسانه‌های جمعی و سینما به عنوان کارمند، فیلمبردار، تهیه‌کننده، کارگردان، خبرنگار، مدیر و پرسنل سازمانی حضور داشته و در تولید محتوا نه فقط برای جامعه معلولان و موضوع ناتوانی بلکه برای جهان غیر معلولان و طبیعی هم نقش داشته باشند. در این صورت شاید وضعیت فعلی بالعکس شود و مخاطب از زوایه دید یک ناشنوا یا معلول ذهنی در رسانه متقاعد شود که آنچه تاکنون دیده است، تصویر و تعبیر نادرستی از جهان غیر معلول بوده است. شاید درک کنیم که جهان مطلوب ما جهان افراد معلول است و معلول ما هستیم که از توانایی که داشته‌ایم استفاده لازم را نکرده‌ایم. به هر حال دموکراسی سازمانی مستلزم ورود معلولان به عرصه تولید محتوا و مدیریت تولید در سطوح جزء، میانی و بالاست.

امروز به رغم آنکه در گذشته دور تلاش‌هایی برای راه‌اندازی دوره‌ها و نشریات ویژه معلولان به خصوص نابینایان شکل گرفت، اما در جامعه

دانشگاهی علوم ارتباطات، وسایل ارتباط جمعی و صدا و سیما، حضور معلولان مشهود و ملموس نیست. بنابراین با تعداد اندک این افراد در این سازمان‌ها نمی‌توان به دموکراسی سازمانی در نظام رسانه‌ها امیدوار بود. پیشنهاد ما این است که انجمن‌ها و نهادهای متولی امور معلولان به این سو حرکت کنند که افراد ناتوان، به تکنیک‌ها و روش‌های تولید محتوا، ارتباطات و راه‌اندازی رسانه‌های خاص بروند.

در حوزه سینما هم ضمن ارج نهادن به تلاش‌های کارگردان‌های موفق‌ی مثل خانم درخشنده و آقای مجیدی، باید متذکر شوم که یک فرد غیر معلول قادر به نشان دادن و رسیدن به دورن فهمی از جهان درونی معلولان نخواهد بود مگر آنکه با مشارکت خود معلولان فیلم ساخته شود.

نکته دیگر این است که در باره نحوه مصرف و اثرات محتوای رسانه‌ای بر روی معلولان و خانواده آنها هیچ تحقیق و کاری صورت نگرفته است.

نکته دیگر اینکه برخوردهای مناسبی با معلولیت یکی از زشت‌ترین حالت‌ها از بازنمایی واقعیت‌های جامعه معلولان است. مثلاً تلویزیون در روز جهانی معلولان به سراغ یک آسایشگاه رفته و افراد معلول را نشان می‌دهد. درحالی که ۳۶۴ روز دیگر سال را کاری برای این گروه اجتماعی نمی‌کند. این نحوه تولید محتوا در رسانه یک نوع بازنمایی توریستی یا فرهیخته‌نمایی از معلولان است؛ درحالی که ما حاضر نیستیم یک مجری گوینده یا خبرنگار معلول را در تلویزیون نشان دهیم. ما باید زمینه ورود معلولان به زندگی عادی را تسهیل کنیم. ما نه فقط در برنامه‌های خاص معلولان، که در آثار عمومی رسانه‌ای هم باید از تولیدات معلولان استفاده کنیم. متأسفانه در اغلب موارد سینمایی یا تلویزیونی هیچ‌گاه یک فرد معلول را در موقعیت یک فرد عادی

ندیده ایم. مثلاً یک مدیر، یک وزیر، یک معلم هم می تواند یک فرد دارای معلولیت باشد.

در انتها باید تأکید کنم که در تولید محتوا درباره معلولان دچار دو نوع آفت و نقص هستیم:

۱ - تولید محتوا از سر روشنفکر نمایی، اومانیسیم، جلب ترحم و موارد مشابه که اینگونه تعبیر می شود که افراد معلول نیازمند نگاه خاص، توجه دیگران، دلسوزی و ترحم هستند. این نوع انتخاب روش نظام رسانه ای ما را تهدید می کند. یادمان باشد بها دادن به معلول امتیازی برای خود آن فرد نیست.

۲ - در تلویزیون و سینما یا حتی مطبوعات معمولاً بازنمایی معلولیت از سر کنجاوی است. یعنی نوعی توریسم اجتماعی. چنانکه یک شهر را مورد بازدید قرار می دهیم. سوژه ای به نام معلولیت را در قالب گزارش تصویری، محتوای مطبوعاتی، عکس، فیلم و داستان در یک آسایشگاه شکار می کنیم، تا کنجکاوای خود یا مخاطب را از آن برطرف کنیم. باید دقت کنیم که معلولان سوژه کنجکاوای ما نیستند و برخورد مناسبی با آنها برای رفع تکلیف صحیح نیست.





گفتار دوم

مجید مجیدی

کارگردان سینما

تجربیات من درباره جامعه معلولان تجربیات شخصی بوده است که ذهن و نگاهم را به این افراد متعالی کرد. معلولیت در جامعه ما به گونه‌ای معرفی شده که گروه معلولان را به حاشیه برده و تاثیرات مخربی بر جایگاه اجتماعی آنان داشته است، باعث شده که معلولیت به عنوان یک نقص بزرگ دیده شود تا جایی که حتی خانواده‌های این افراد هم ناتوانی فرزندان خود را پنهان می‌کنند.

این در حالی است که تجربه شخصی من می‌گوید معلولیت نه تنها ناتوانی نیست بلکه بطور فطری وقتی یک حس از مجموع احساس اعضای بدن ما فعال نیست، حسی دیگر آن را جبران و مابقی هم به آن کمک می‌کنند. در جامعه روشندان عزیز در تجربه رنگ خدا ابتدا تحت تأثیر فضای اجتماعی قرار داشتم که به من تداعی می‌کرد با یک نقیصه مواجه هستم اما وقتی وارد دنیای این کودکان شدم احساس کردم خداوند لطف مضاعفی به آنها داشته است. چنان که در مباحث معرفتی بیان شده که باید چشم سر به عالم ببندد که چشم دل باز کند، لذا این پدیده به شکل خدادادی در روح و جسم روشندان وجود دارد. در تجربیات اولیه شاهد بودم این کودکان اغلب اوقات فراغت خود را تمایل به گوش کردن قرائت قرآن دارند. ابتدا فکر کردم این اتفاق یک نوع دستور یا تکلیف مجتمع آموزشی نابینایان است اما وقتی تحقیق کردم متوجه شدم این موضوع یک عمل کاملاً ارادی و اختیاری از سوی روشندان است و این کودکان خود علاقه‌مندند وقت فراغشان را به قرآن گوش دهند. در اینجا یاد همان آیه شریفه باید افتاد که «الا به ذکر الله تطمئن القلوب» این آیه در وجود روشندان جاری بود و با آن آرامش می‌گرفتند. در نمونه‌ای دیگر از تجربیاتم وقتی با این عزیزان قبل از شروع



به ساخت فیلم رنگ خدا به سفر می‌رفتم متعجبانه شاهد بودم که یک چنین کودکان ۸-۹ ساله ای چه درکی از محیط اطراف عالم و هستی دارند. آدم فکر می‌کند ورود به این عوالم نوعی عوالم معرفتی است که به این افراد داده شده است.

ما تلاش کرده‌ایم این توانایی‌های پنهان را به تصویر بکشیم. البته خیلی‌ها در کشورمان و خارج از ایران تردید داشتند که پسر نقش اول رنگ خدا یک نابینا باشد و مدام سوال می‌کردند که آیا واقعاً او نابیناست؟

همچنین در تجربه اخیرم در فیلم آواز گنجشک‌ها از حضور جامعه ناشنویان دعوت کردم و دیدم که دختر بازیگر ناشنوا به زیبایی بعد از مدتی تمرین و خودباوری توانست جلوی دوربین ظاهر شود.

به اعتقاد من رسانه‌ها به خصوص بیش از همه تلویزیون می‌توانند این پدیده را به خوبی معرفی کنند و توانایی‌های مثبت را نشان دهد. این نکته اثبات شده است که گاهی معلولان حتی بیش از دیگر افراد جامعه دارای توانایی بوده‌اند. هنوز باید بیشتر به مسئله معلولیت در حوزه رسانه‌ای توجه شود. در شهرستان‌های کشور به خاطر محرومیت‌ها، افراد معلول از حقوق شهروندی خود محروم هستند و باید مسئولان کشور در کنار مردم به این موضوع توجه ویژه‌ای کنند تا حضور معلولان در سطح اجتماعی عادی باشد. متأسفانه در جامعه ما هنوز معلولان جزو جمعیت شهری و شهروندی مان محسوب نشده‌اند که امیدواریم با آثار زیبای رسانه‌ای و سینمایی این جامعه خاموش را به جامعه برگردانیم.





گفتار سوم

پوران درخشنده

کارگردان سینما

تجربه کاری من در زمینه ارتباط با جامعه معلولان به ۲۲ سال قبل و فیلم «رابطه» برمی گردد. این فیلم با تحقیقات شخصی ام شروع شد. ابتدا با کودکان ناشنوا آشنا شدم. حالاکه به گذشته نگاه می کنم هر موقع خسته می شوم یا ناراحتم با رفتن به دنیای این کودکان به یک آرامش می رسم. این کودکان بدون واسطه با آدم ها رابطه برقرار می کنند و ابداً به دنبال فرصتی نیستند که براساس آن ارتباط برقرار کنند، آنها از ته دل و بی محابا می خندند، صادقانه مردم را دوست دارند و در برابر بی صداقتی دیگران بدون درنگ واکنش نشان می دهند. «علی احمدی فرد» در فیلم «بچه های ابدی»، «علیرضا رضائیان» در فیلم «رابطه» و «عطیه معصومی» در فیلم «پرنده کوچک خوشبختی» هر سه دارای این نقطه مشترک اخلاقی بودند. نقطه مشترک تمام این کودکان صداقت آنها بود. در زمان ساختن فیلم های ذکر شده این صداقت آنها را بدون هیچ تردید دریافت کردم. اما نکته جالب تر در تجربه فیلم سازی با این افراد، مسئله ارتباط آنها با خداوند و نگاهشان به اطرافیان بود. علی در «بچه های ابدی»، گاهی باعث متاثر شدن و لرزه افتادن بر جسم و روح من می شد، رابطه برقرار کردن او با خداوند متعال عجیب بود. انگار خداوند در قاب پنجره نشسته بود. او نمی گفت خدایا من چه ندارم یا چه چیزی به من بده، فقط با تمام وجود می گفت: خدا!

مصحلت، ترس و منفعت در رابطه او با خداوند وجود نداشت و این واقعاً یعنی توانمندی این کودکان. همین توانمندی است که برای من باور شده و موجب می شود از خود این کودکان برای نقش های سینمایی در فیلم ها استفاده کنم.

سینما در این زمینه بسیار تأثیرگذار است و باعث می شود مخاطب معلول

توانمندی‌هایش را پیدا کند و به خود اعتماد کند. خداوند وقتی در عنصری از وجود آدم ناتوانی قرار می‌دهد، در جایی دیگر از وجود او توانایی‌اش را بیشتر می‌کند. به نظرم می‌رسد که ما معلول هستیم نه این افراد و کودکان! البته متأسفانه چون سینما یک هنر صنعتی است و نیاز به سرمایه‌گذاری کلان دارد، گاهی نگرانی‌های فیلم‌سازی بر روی تهیه‌کننده و کارگردان تأثیرگذار است. من هم وقتی علی احمدی فرد را انتخاب کردم، تا مدتی که جلوی دوربین بروم نگران بودم که شاید نتواند از پس این نقش برآید اما سرانجام علی با صبر و پشتکار گروه سازنده فیلم و زحمت خود و خانواده‌اش توانست نقش خوبی ایفا کند. نقش سختی بود. او که مدام آرام آرام حرف می‌زد مجبور بود تندتند حرف بزند و جواب بدهد. به هر حال علی یک نمونه بود و فکر کردیم اگر از او به عنوان یک هنرپیشه حمایت نکنیم، موفق نمی‌شود توانایی‌های خود را نشان دهد. ما هم می‌خواستیم تجربه کنیم و ثابت کنیم که سینما می‌تواند درمان کند. سینما می‌تواند اعتماد به نفس بیاورد و در زندگی جامعه معلولان تأثیر بگذارد.

علی احمدی فرد جایزه بهترین بازیگر نوجوان جشنواره بین‌المللی همدان را کسب کرد و در رقابت بین معلولان و دیگر بازیگران اول شد. او وقتی برای گرفتن جایزه رفت، شروع به صحبت کرد که این لحظه برای ما یک پیروزی بود. او بیش از ما توانایی دارد. علی همچنین در مسابقه دو میدانی ۱۰۰ متر دبی نیز جایزه طلا گرفته‌است.

عنوان «رسانه برای همه» که در این کنفرانس انتخاب شده باید مورد توجه باشد و اینگونه معنا شود که باید کسانی مثل علی احمدی فرد همواره در رسانه‌ها باشند تا بتوان تصویر واقعی و توانایی‌شان را به جامعه نشان داد.

این تصویر البته زمانی شکل می‌گیرد که ما شناخت صحیحی از آنها داشته باشیم. وقتی ما ندانیم که یک کودک دارای سندروم داون چه توانایی‌هایی دارد، نخواهیم توانست چهره این کودک را به درستی نمایش دهیم. بنابراین توانایی‌ها را با ایجاد توجه از طریق سینما می‌توان حاصل کرد. این مسئولیت علاوه بر سازمان بهزیستی بر عهده همه مردم، رسانه‌ها، دانشگاهیان و پژوهشگران است که زمینه رشد افراد کم‌توان را فراهم کنند.

به هر حال سینما تنها رسانه‌ای بوده است که در سه دهه اخیر درباره معلولیت، آثاری حداقل بالغ بر ۲۰ فیلم تولید کرده و موفق و تأثیرگذار بوده است. ما به عنوان کارگردان‌های اینگونه فیلم‌ها، هرگز قصد جداسازی معلولان از جامعه را نداشته‌ایم و صرفاً بر اساس عشق و علاقه جهت معرفی و فرهنگ‌سازی برای معلولیت در جامعه بوده است. البته شرایط نابرابری برای اکران چنین فیلم‌هایی مثل «بچه‌های ابدی» وجود دارد که گاهی یک فیلم مهم اجتماعی تنها در ۲ سالن اکران می‌شود و کسی هم حاضر به حمایت نیست. در حالی که «بچه‌های ابدی» رأی و انتخاب ۹۸ درصد از تماشاگران جشنواره کودک و نوجوان را به خود اختصاص داد و جایزه بهترین فیلم تماشاگران را گرفت و در تهران هم ۷۲ درصد تماشاگران جشنواره فجر به آن رأی مثبت دادند و جایزه سوم را گرفت. چرا در دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش برای نمایش و معرفی اینگونه فیلم‌ها اقدامی نمی‌شود؟

گفتار چهارم

دکتر فرید براتی سده

روانشناس اجتماعی

چند نکته درباره نقش رسانه‌ها نسبت به موضوع معلولیت باید دقت شود:

۱ - اگرچه تصویری که رسانه‌ها از معلول و معلولیت در جامعه نمایش می‌دهند در سینما خیلی موفق‌تر و علمی‌تر بوده اما در صدا و سیما بسیار نامطلوب نمایش داده شده است. نداشتن نگاه تخصصی به این موضوع مشکل‌آفرین است البته قرار نیست سینما با صدا و سیما و رسانه‌های دیگر مبتنی بر اصول توانبخشی یا تخصصی برنامه تولید کنند اما کمتر شاهدیم که کارگردان‌ها، سناریونویسان و خبرنگاران رسانه‌ها برای تولید آثار رسانه‌ای به سراغ متخصصان این رشته‌ها بروند و مشورت کنند. مثلاً در یکی از سریال‌های مناسبتی ماه مبارک رمضان که از جمله پربیننده‌ترین سریال‌های کشور نیز بود چهره بدی از معلولیت به تصویر کشیده شد. مثلاً در فیلم دیگر یک فرد به خاطر گناه کردن نابینا می‌شود و بعد که انسان خوبی می‌شود نابینایی رفع می‌شود. ما باید متوجه باشیم که معلول یک تکه گوشت اضافی محکوم به مرگ نیست که مدام او را وسیله کنیم، خیلی خوب است کارشناسان و دست‌اندرکاران رسانه‌ها مشورت کنند. این موضوع مطالبه جامعه معلولیت و کارشناسان این رشته است که اگر قرار شد اثری ساخته شود مشورت با خود این جامعه هم صورت بگیرد.

۲ - موضوع دیگر مربوط به انگ و برچسب است که در جامعه رخ می‌دهد. در بعضی رسانه‌ها همچنان این برچسب زنی نسبت به بیماران اعصاب و روان، معلولان جسمی یا ذهنی شایع است. یعنی انگ زنی و استفاده از برچسب نسبت به افراد دارای ناتوانی یکی از مشکلات رسانه‌هاست. به خصوص برخی اصطلاحات نابجا نسبت به معلولان ذهنی رایج شده که بسیار ناپسند و آزار دهنده است؛ این موضوع در رسانه‌های خارجی کمتر



مشاهده می‌شود و برای نمونه در فلیم فارست گامپ درباره اختلال اوتیسم که در خودماندگی ترجمه شده است و کمترین سطح تعامل اجتماعی و ارتباط بیرونی را این بیماران دارند، کارگردان فیلم به خوبی این موضوع را نقد می‌کند. همچنین در فیلم بخشنده مرد (Rain man) که به نادرست مرد بارانی ترجمه شده بود، معنای زیبایی از اوتیسم ارائه می‌شود که فاصله آثار ما با این نمونه بسیار زیاد است.

۳ - یکی دیگر از مشکلات رسانه‌های ما این است که خیلی زیاد بر روی عواطف مخاطب سرمایه‌گذاری می‌کنند در حالی که کاربرد صرف عاطفه، هماهنگ با واقعیت و شناخت کافی نیست.

نهایتاً سوالی که مطرح می‌شود این است که در عصر رسانه‌ای امروز آیا دامن زدن به تب رسانه‌ای درباره معلولان لازم است یا نه؟



گفتار پنجم

دکتر محمد کمالی

عضو هیأت علمی  
دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی

اصولاً معلولان اعتقاد ندارند که تصویر واضح و روشنی از آنها در رسانه‌ها ایجاد شده است. این تصویری است که مدت‌ها قبل بخصوص از سینما مطرح شده است. به گفته آنها همیشه تصویر افراد دارای ناتوانی، تصویری از یک تراژدی انسانی بوده که با شیوه‌های مختلف نمایش داده شده است. تحقیقات نشان می‌دهد به رغم آنکه افراد دارای ناتوانی در فیلم‌ها و سریال‌های سالیان گذشته تصویر بهتری نسبت به قبل در رسانه‌ها داشته‌اند، اما در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی جهان (قبل از ۱۹۸۰ میلادی) تصاویری که از این افراد نشان داده شده است، غالباً آنها را به ظاهر فردی که کفایت یک زندگی عادی را ندارد به تصویر کشده‌اند. در این تصاویر معمولاً افراد دارای ناتوانی موضوعی برای اعمال خشونت، موجودی برای ترحم، موجودی فوق انسانی یا عجیب و غریب یا وسیله‌ای برای خنده و استهزاء قلمداد شده است. البته این تصاویر در سال‌های گذشته رو به اصلاح است و این افراد را در قالب انسان‌های عادی معرفی می‌کند. این تلاش در بین سینماگران ایرانی بسیار مشهود و قابل تقدیر بوده است. نکته قابل تأمل این است که با این وجود در کشور ما همچنان تلاش صدا و سیما برای نمایش مناسب چهره معلولیت راضی‌کننده نبوده و موجب رضایت جامعه معلولان نشده است. به عبارت دیگر نمایشی که باید از یک فرد دارای ناتوانی به عنوان یک فرد عادی در کشورمان ارائه می‌شد کمتر در تلویزیون و رادیو نشان داده شده است.

تلاشی که کارگردان‌هایی مثل آقای مجیدی، خانم درخشنده، آقای قبادی و دیگران کرده‌اند، عمدتاً به این دلیل بوده که به وسیله سینما به جامعه بگویند و اثبات کنند که یک فرد دارای ناتوانی مثل «علی» در «بچه‌های ابدی»، یک فرد عادی است که در جامعه حق زندگی دارد. «محمد» در «رنگ خدا»

همچنین حقی داشت و ما غفلت کردیم. اصولاً یکی از نمایش‌های اصلی فیلم‌های معلولیت، نمایانگر غفلتی است که افراد جامعه از کسانی که کنارمان هستند داشته‌ایم.

تحقیقات در اروپا و آمریکا نشان می‌دهد به رغم همه تلاش‌ها، تصاویری که از افراد دارای ناتوانی ارائه می‌شود تصاویر منفی است. اما باید گفت با این حال جامعه معلولان در مجموع از همین تصاویر هم استقبال می‌کند. یعنی اینکه به طور کلی مسائل معلولان وقتی در صحنه رسانه مطرح می‌شود مورد رضایت است: به رغم این که شاید یک تصویر غیرواقعی ارائه بدهد. چنانکه در فیلم‌های دهه ۵۰-۶۰ تصویر ارائه شده از معلولان تصویر یک جنایتگر، آزارگر، مزاحم یا عامل خطر و وحشت است. برای نمونه در فیلم سرباز نیمه، افراد را از سرباز خیالی که نیم‌تنه است می‌ترسانند. به هر حال اگرچه روند سینمای جهان در حال بهبود است، اما نمی‌توان گفت ارائه نمایش منفی از چهره معلولیت به پایان رسیده و باید خط جداکننده‌ای بر گذشته بکشیم. بلکه حتی در کشور ما هم یک دفعه بعد از چند اثر سینمایی خوب تلویزیون یک سریال طنز با نام «شب‌های برره» پخش می‌کند که در آن نابینایی یک فرد تبدیل به سوژه خنده و استهزاء می‌شود، یا اینکه در سریالی دیگر لکنت زیان موضوع تمسخر و وسیله کم‌دی سریال می‌شود. «محسن حسینی طه» که وبلاگ هم می‌نویسد درباره این نوع برنامه‌های صدا و سیما نوشته بود: «اینکه مردم در خیابان جلوی ما می‌آیند و پول می‌دهند و خدا را شکر می‌کنند که سالم‌اند من را نگران نمی‌کند، بلکه باید آن تلویزیون اصلاح شود؛ رسانه ملی ما معلولان را آدم‌های بیچاره و بدبختی قلمداد می‌کند که حتی نیازمند به اس اس نذری هستیم.»

وقتی در برنامه‌های طنز صدا و سیما، به‌رغم تذکرات مختلف ما، از واژه آزاردهنده و نامناسب مُنگول (به جای سندروم داون) برای طنز و استهزاء استفاده می‌شود، دیگر از مردم عادی چه انتظاری می‌توان داشت؟

از نظر ما قدرت رسانه، قدرت والا و بزرگی است. آنچه که افراد دارای ناتوانی از رسانه انتظار دارند آنطور که خانم کارل رز محقق انگلستانی در سال ۱۹۹۷ براساس پژوهش به دست آورده، این است: در یک کلمه «احترام یا ملاحظه». احترام به نوع معلولیت و توانایی‌های متفاوتی که دارند. احترام به اینکه انتخاب «علی» در نقش بچه‌های ابدی انتخاب درستی است. احترام به اینکه یک معلول هم باید توانایی‌اش را در سینما نشان بدهد، نه اینکه یک سوپرستار بخواهد توانایی‌اش را در ایفای نقش یک معلول محک بزند.

بهترین تعبیر دینی و الهی که در این زمینه در جامعه ما وجود دارد، آیه‌ای است که خداوند متعال در قرآن کریم طی آن به پیامبرش عتاب می‌کند: چرا به این فرد نابینا بی‌اعتنایی کردی که به آن مردم دارای مال نگاه دیگری داشتی؟ در مسئله نگرش به معلولیت استاندارد و تعبیری از این بهتر وجود ندارد. با این برداشت رسانه‌های ما باید به حقوق انسانی معلولان احترام بگذارند.

نکته دیگر در کشور ما این است که به‌رغم فعالیت برخی مجریان، خبرنگاران و گویندگان معلول در صدا و سیما، نمایش این افراد دیده نمی‌شود. یعنی آنها را جلوی دوربین نمی‌آورند. باید این افرادی جلوی دوربین بیایند و رسانه هم از انتقاد مخاطبین نترسد. چراکه جامعه باید بپذیرد رابط ناشنویان در تلویزیون به افراد دارای ناتوانی که در همین جامعه زندگی می‌کنند و حق استفاده از تلویزیون دارند خدمت می‌کند. بنابراین دلیل موجهی وجود ندارد

که کسی به خود اجازه می‌دهد به صدا و سیما زنگ بزند و بگوید که این تصویر رابط ناشنویان را از صحنه حذف کنید تا راحت‌تر برنامه را ببینیم! این کار نوعی کنارکشیدن خود از مسئولیت‌های انسانی و اجتماعی است.

امروز حدود ۶۵۰ میلیون نفر در دارای ناتوانی در جهان زندگی می‌کنند که با محاسبه حداقل افراد خانواده آنها جمعیت درگیر با مسئله معلولین در جهان را به ۲ میلیارد نفر می‌رساند حال آنکه این دو میلیارد نفر در صحنه رسانه‌های دنیا مغفول هستند. آیا حق آنها نیست که به اندازه درصد و سهم‌شان در جمعیت جهان، برنامه در تلویزیون و رادیو داشته باشند؟

تمام خواسته جامعه معلولان از رسانه‌ها این است که نباید معلولان تمایزی با افراد دیگر جامعه داشته باشند. متأسفانه رسانه‌ها مدام در حال القاء این موضوع هستند که معلولان دنبال امتیازات متمایز هستند. در حالی که اگر امتیاز یا شرایط خاصی دنبال می‌شود برای این است که معلولان با دیگران برابر شوند؛ امتیاز برابر دادن به آنها تمایز نیست بلکه وظیفه است.





گفتار ششم

دکتر محمد دهقان

عضو هیأت علمی گروه ارتباطات  
دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران

روزنامه‌نگاری فعالیتی است که با پیش‌فرض‌ها و تصورات خاصی شروع می‌شود. انگیزه روزنامه‌نگاران عموماً بر پایه پیش‌فرض‌های آرمان‌گرایانه استوار است. یعنی فعالیت روزنامه‌نگاری، یک حرکت ارزشمند و آرمان‌گرایانه است براساس ارزش‌هایی مبتنی بر اخلاق، نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اصول روزنامه‌نگاری در جهان.

ارزش‌هایی هم که مبانی کار روزنامه‌نگاری را شکل می‌دهند، گزاره‌های کلی هستند؛ مثل اینکه دانستن خوب است، حقیقت ارزشمند است، فساد ناپسند است و ...

این ارزش‌ها در جوامع مختلف وجود دارد و استخراج می‌شوند، اما در جامعه ما با توجه به مذهبی‌بودن مردم، اولین ماخذ این گزاره‌ها، تعالیم دینی و قرآن کریم است که بر ارزش‌های پایه و بنیادین تأکید دارند. مثل آن که فرموده «قسم به قلم و آنچه می‌نویسد»، یا «آیا آنکه می‌داند با آنکه نمی‌داند برابر است؟» و ...

به عقیده ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی، عقلانیت دو نوع است؛ مصلحتی و ارزش‌مدار. همچنین به گفته او، اخلاق هم دو شکل دارد؛ اخلاق مسئولیت‌پذیر، اخلاق غایت‌گرا. به اعتقاد وبر اخلاق روزنامه‌نگاری، اخلاق ارزش‌مدار است در مقابل سیاستمداران که اخلاق آنها مسئولیت‌پذیر است. به این معنا که روزنامه‌نگاری اخلاق‌های فرامکانی و فرازمانی دارد. روزنامه‌نگار ممکن است الزاماً هدف و وسیله یا پیامدهای محتوا را محاسبه نکند، چون وظیفه‌اش گفتن حقیقت است لذا باید بگوییم ارزش‌ها و آرمان‌گرایی مطبوعات وقتی تبدیل به عملیات روزنامه‌نگاری می‌شود، باید اصولی مثل عدالت، تقوا، آزادی و حقیقت‌گویی را با گروه‌های خاص در

موقعیت رسانه‌ای پیوند بزند.

جذابیت‌های بصری یک از اصولی هستند که در گزارش رویدادهای، بخصوص در سینما و تلویزیون برای جذاب‌سازی اثر رسانه‌ای استفاده می‌شوند. اگر بخواهیم رجوع کنیم به وضع مطبوعات که تا چه اندازه این اصول را رعایت می‌کنند، متأسفانه به نتایج خوبی نمی‌رسیم. روزنامه‌ها کوتاهی نمی‌کنند، اما اعضای این گروه‌های خاص در تحریریه مطبوعات حضور ندارند که بتوانند آثار لازم را تولید کنند. اگر بخواهیم تحریریه خوبی داشته باشیم در آن تحریریه اولویت این است که گزارشگر یا خبرنگار رویدادهای معلولان، خود معلول باشند که درک دقیق و شناخت صحیحی از موضوع ناتوانی داشته باشند. وقتی می‌گوییم مسئولیت اجتماعی و اخلاقی روزنامه‌نگاری در قبال معلولیت، می‌خواهیم یک مدل آرمانی و ایده‌آل بدهیم و اگر بخواهیم این مدل را محک بزنیم و وضع امروز آن را بسنجیم باید بدانیم که تفاوت زیادی بین این دو وجود دارد. مثلاً در گزارش‌های مطبوعاتی بسیاری از این اصول رعایت نمی‌شوند. برای نمونه اخبار مطبوعات در ۱۳ آذر سال ۸۶ را بررسی نموده و می‌بینیم اصلاً چیزی درباره روز معلول ننوشته‌اند. برخی هم انگار تابلوی اعلانات یا بیلورد آگهی هستند. تعداد اندکی البته گزارش‌هایی واقعی و اصیل درباره زندگی، مشکلات و جهان معلولان نوشته‌اند. بنابراین شاهدیم که اصول حرفه‌ای و ارزش‌های اجتماعی برای روزنامه‌نگاری به عنوان یک آرمان باید تلقی شوند و اینکه چه زمانی و تحت چه شرایطی آنها محقق می‌شوند، باید منتظر ماند.





## پژوهش

مطالعه بازنمایی چهره معلولان،  
در ۲۰ فیلم سینمایی ایرانی و خارجی

کانون پژوهش‌های علوم ارتباطات اجتماعی ایران

پژوهشگران:

دکتر اسدی طاری . سعید جباری . مصطفی قوانلو قاجار

بر اساس آخرین آمارهای سازمان بهداشت جهانی، حدود ۶۰۰ میلیون نفر معلول در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند و البته بنابر اعلام مسئولان سازمان بهزیستی ایران (مدیرکل دفتر پیشگیری از معلولیت‌های سازمان بهزیستی، بهمن ۸۶، روزنامه قدس) ۲/۴ درصد از جمعیت کشورمان معلول هستند؛ یعنی حدود یک میلیون و ۶۸۰ هزار نفر، که این آمار تا سطح ۳ میلیون نفر پیش‌بینی شده است.

این افراد به دو صورت با رسانه‌ها در کشورمان و سطح جهان ارتباط می‌یابند؛ اول به عنوان مخاطب (اگر قادر به رمزگشایی باشند)، و دوم به عنوان سوژه که در اینجا شکل دوم مورد بحث خواهد بود. در ارتباط با جنبه اخیر، یکی از پژوهشگران مددکاری اجتماعی به نام «دیوید هوی» در ۲۵ مارس ۱۹۹۲ می‌گوید: تاریخ به تصویر کشیدن افراد دارای ناتوانی، تاریخ نمایشی خردکننده و منفی است. به این معنا که افراد دارای ناتوانی به صورت مردمی نمایش داده می‌شوند که دارای کاستی و نقص هستند؛ نه به عنوان افرادی با هویت شخصی که دارای ناتوانی هستند.

در این میان کارکرد و وظایف یا مسئولیت‌های رسانه‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اهمیت رسانه‌ها به عنوان فرستنده پیام یا امواج‌های ذهنی که ممکن است روزی به کلیشه، فرهنگ و عمل انسانی یا اجتماعی تبدیل شوند، روز افزون است. پژوهشگران علوم ارتباطات اجتماعی در این باره معتقدند که پیام‌های برجسته شده یا مورد تاکید و اصرار دائمی یا مقطعی رسانه‌ها، کم‌کم تبدیل به کلیشه می‌شوند و در ذهن و اندیشه مخاطب قرار می‌گیرند. در این هنگام است که نگرش‌ها ایجاد، گاهی اصلاح و یا تغییر می‌شوند. در این میان با توجه به رسالت رسانه‌ها، توجه به وظایف و عملکرد سینما

با ملاحظاتی همراه است. این ملاحظات در دو بعد فیزیکی و ساختاری طبقه‌بندی می‌شوند. مخاطبان سینما در یک فضای مشخصی و در یک زمان مشخصی که البته با حق انتخاب توأم است، پیام مورد نظر خود را دریافت می‌کند. بدیهی است تکنولوژی ساخت فیلم در سینما نیز به نوعی با ساختار تولید فیلم تلویزیونی متفاوت است. به هر حال اهمیت و ارزش سینما که مقوله مهمی است و در مجال دیگری باید به آن پرداخته شود، موید الگوهای تولید آثار متمایزی نسبت به سایر رسانه‌هاست.

در ارتباط با چهره و الگویی که در سینما از معلول یا فرد ناتوان به تصویر کشیده می‌شود عموماً این برداشت وجود دارد که در ایران و دنیا با کلیشه‌های منفی همراه است. کلیشه‌هایی مانند ناتوانی مطلق این افراد، قابل ترحم بودن، عجیب بودن، غیراجتماعی بودن و... که به آنها پرداخته خواهد شد. در حالی که در دنیای واقعی، بسیاری از این معلولان برخلاف تصور همگان، دست به کارها و فعالیت‌هایی می‌زنند که حتی افراد پرتوان جامعه هم قادر به انجام آنها نیستند. بازنمایی معلولان و ناتوانی در سینما تاکنون در کشورمان و سطح دنیا چندان مناسب و واقع‌گرایانه نبوده است و به همین دلیل است که در این مطالعه به چگونگی بازنمایی این افراد در فیلم‌های سینمایی دست می‌زنیم.

### مهمترین اهداف این بررسی:

الف- شناخت چگونگی پردازش چهره و واقعیت زندگی معلولان و ناتوانی

در ۲۰ فیلم سینمایی مشهور ایران و جهان

ب- تحلیل میزان موفقیت بازنمایی معلولان در سینما

دستیابی به موارد زیر:

۱. شناخت و تحلیل جایگاه معلولان در سینمای ایران و جهان
۲. شناخت و سنجش میزان توجه سینما و سازندگان فیلم به حقایق ناتوانی
۳. بررسی الگوهای ارائه شده از معلولیت در سینما
۴. ارزیابی کلیشه‌های نادرست موجود در سینما نسبت به معلولان و ناتوانی
۵. آسیب‌شناسی عناصر به کاررفته در سینمای ناتوانی

در این بررسی به دو نکته توجه شده است:

۱ - چهره واقعی زندگی معلولان آنگونه که در جامعه ترسیم شده‌است (در قالب فیلم): اگر بپذیریم که فیلم‌هایی با دستمایه‌های اجتماعی می‌تواند بیانگر و بازنمای مسائل و مشکلات اجتماعی ساختارها و هنجارها در جامعه باشد، نگاه فیلم‌ساز نسبت به پدیده معلولیت و تحلیل جایگاه آن یا حتی نمایش جایگاه آن تا چه حد می‌تواند واقعیت‌های موجود در زندگی معلولان را نمایش دهد.

در گزارشی که ارائه می‌شود قصد بر این نیست که فیلم‌ساز و شخصیت حرفه‌ای او به انتقاد گرفته شود، بلکه تصمیم بر آن است که بطور مشخص نگاه او به پدیده معلولیت از یک سو و تصویری که از جایگاه معلولیت در آثار خود، بویژه در فیلم مورد بررسی، ارائه کرده است تحلیل گردد. حتی این نگاه را در قالب نقد فیلم خلاصه و محصور نشده، بلکه دقیقاً ساختار کلی فیلم را با شاخص‌های اجتماعی و روانی معلولیت منطبق گردیده که به صورت مشروح مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲ - میزان موفقیت یا عدم توفیق فیلم در ارائه پیام و تلاش آن برای ارتباط با مخاطب به صورت حرفه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌است. در این قالب



سه نکته مهم وجود دارد:

اول: موضوع مورد توجه فیلم‌ساز و حتی فیلمنامه‌منطبق با ساختارهای جامعه، سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اصول اجرایی است که به صورت کلان در یک پیکره ارگانیکی از جایگاه والائی می‌تواند برخوردار باشد. در صورتی که نوع واکنش و نحوه برقراری ارتباطی که میان اجزای فیلم از یک سو و ساختار آن از حیث محتوا و حتی فضاهای انتخاب شده در نگاه فیلمساز، گفت‌وگوها و نیز برداشت مخاطب وجود داشته‌است، نوع نگاه و واکنش‌های موجود را طبقه‌بندی می‌کند.

دوم: توقع گیشه‌پسند فیلم‌ساز می‌تواند نقش مهمی در بازنمایی چهره معلولیت داشته باشد. در حالی که باید توجه کرد معیارهای مورد نظر گیشه برای محبوب بودن یک فیلم چیست؟ (که البته در این مقوله بررسی‌هایی حتماً صورت گرفته است). انطباق معیارها و ویژگی‌های گیشه‌پسند امری سهل و ممتنع است: توجه به ارزش‌های جامعه، توجه به گرایش‌های منتقدین، توجه به ابزارهای به کارگرفته‌شده برای نمایش معلولیت و ارائه پیام یا الگوهای متناسب با آن و... موضوعی است که در عین سادگی در توانمندی بالقوه و بالفعل فیلم‌ساز، پیچیدگی‌هایی نیز در تامین نظر منتقدین دارد.

سوم: اساساً نوع انتخاب کاراکتر برای ایفای نقش و انجام رسالت مهم در مباحثی چون فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری، بویژه برای بخش وسیعی از جامعه و مخاطبان که معیارهای قضاوت آنها برای ارزش‌گذاری درباره یک اثر هنری بیشتر مبتنی بر ارائه‌دهندگان و ایفاکنندگان نقش است،

نیز مقوله‌ای است که نباید نادیده گرفته شود.

بررسی و تعریف مفاهیم به کار رفته در این بررسی:

- معلولیت چیست؟

معلولیت، به ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از فعالیت‌های عادی زندگی فردی یا اجتماعی به علت وجود نقص مادرزادی یا اکتسابی، در قوای جسمانی یا روانی اطلاق می‌شود.

انواع معلولیت‌ها:

- معلولیت‌های جسمی شامل موارد زیر است:

الف: معلولیت‌های حواسی: مانند نابینایی و ناشنوایی

ب: معلولیت‌های حرکتی: شامل انواع نقص عضوها، ضایعات

نخاعی و ناهنجاری‌های مربوط به اندام، ستون فقرات و عضلات

ج: معلولیت احشای داخلی: شامل ناهنجاری‌های قلبی-عروقی،

تنفسی، کلیوی و غیره

- معلولیت ذهنی شامل موارد زیر است:

الف: عقب‌ماندگی ذهنی

ب: بیماری روانی

علل معلولیت‌ها:

- معلولیت‌های اکتسابی:

بر اثر تصادفات، حوادث یا بلاهای طبیعی، جنگ، آتش سوزی، مسمومیت‌ها و یا بیماری‌های مزمن و عوارض ناشی از آنها، فرد ممکن است دچار این معلولیت گردد.

- معلولیت‌های مادرزادی:

علل معلولیت مادرزادی بطور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. عوامل دوران بارداری: نظیر عوامل ژنتیکی، سوء تغذیه مادر، سن بالای مادر، رعایت نکردن بهداشت دوران بارداری، اشعه، دارو، بیماری مادر، استعمال دخانیات و اعتیاد.

۲. عوامل هنگام زایمان: زایمان مشکل و طولانی، زایمان‌های غیربهداشتی، ضربات وارده به نوزاد هنگام تولد.

### نگاهی به برخورد جامعه با معلولان

درک این نکته مهم است که اگرچه ممکن است فرد معلول با دیگران تفاوت داشته‌باشد، ولی تکیه بر ناتوانی فرد، نه تنها کمکی به وی نمی‌کند، بلکه بر مشکلات وی خواهد افزود. افراد معلول، غالباً مشکلاتی دارند که مانع انجام برخی از فعالیت‌های آنها می‌شود یا احتمالاً آنها بعضی از کارها را به شکل دیگری انجام می‌دهند، اما اکثر افراد معلول نیز می‌توانند پس از آموزش لازم، بسیاری از فعالیت‌های عادی زندگی را با اندک تفاوت یا آهسته‌تر از دیگران انجام دهند. آنچه یک معلول نیاز دارد پذیرفتن و باورکردن توانایی‌های اوست.

در برخورد با معلول جسمی باید ضمن توجه به محدودیت‌های حرکتی فرد،

دیگر توانایی‌های او در حدی تقویت شود که حتی الامکان بتواند نارسایی‌ها را جبران کند.

نحوه برخورد با افراد نابینا و ناشنوا نیز از جمله مفاهیمی است که در فیلم‌های مورد بررسی به آن توجه شده است.

### برخورد با افراد نابینا

در برخورد با فرد نابینا باید تلاش نمود تا در صورت وجود بینایی حتی به صورت جزئی، با استفاده از روش‌های مناسب، مهارت‌های فرد را در استفاده از آن بالا برد. تقویت حواس دیگر فرد، وی را در مواجهه با عوامل محیطی موفق‌تر می‌سازد. وضعیت زندگی و ائاثیه منزل، باید به نحوی چیده شود تا نابینا بتواند به راحتی وسایل مورد نیاز خود را پیدا کند.

### برخورد با افراد ناشنوا

در برخورد با افراد ناشنوا باید آرام و شمرده صحبت کرد و موقع صحبت روی خود را به سمت فرد نگه داشت تا بتواند با لب‌خوانی، منظور ما را درک کند. صحبت با صدای بلند باعث می‌شود که وی نتواند منظور ما را به خوبی درک کند. چون در این حالت، لب‌خوانی مشکل می‌شود.

### عقب‌ماندگی ذهنی

عقب‌ماندگان ذهنی، افرادی هستند که از نظر فعالیت‌های ذهنی، نسبت به همسالان خود نارسایی دارند و عقب مانده‌اند. در نتیجه از نظر توانایی یادگیری، همسازی با محیط، بهره‌برداری از تجربیات، درک مفاهیم، قضاوت

و استدلال صحیح، به درجات مختلف محرومند.

### عقب‌ماندگان ذهنی به چند گروه تقسیم می‌شوند؟

۱. آموزش‌پذیر:

بهره‌هوشی این افراد، بین ۷۰-۵۰ است. این گروه، بطور کلی چه به لحاظ حرکات و حواس و چه به لحاظ روانی، از کودکان عادی کندتر هستند. سازگاری اجتماعی این افراد، به شرایط محیطی آنها بستگی دارد. در برخورد با این افراد، باید متوجه محدودیت‌های ذهنی آنها بود. انتظارات والدین و جامعه نیز باید با توجه به شرایط ذهنی آنها باشد.

۲. تربیت‌پذیر:

بهره‌هوشی این گروه، بین ۵۰ - ۲۵ است. به لحاظ عاطفی وضع بسیار متغیری دارند. معمولاً وقتی چیزی را طلب می‌کنند، مهربان و مطیع هستند، ولی در مقابل مخالفت‌های دیگران خشم و غضب و عصبانیت شدید از خود بروز می‌دهند. توانایی ذهنی این افراد در هر سنی که باشند در حد توانایی‌های ذهنی کودک ۷-۶ ساله باقی می‌ماند. والدین، در برخورد با آنها باید به توانایی ذهنی آنها توجه نمایند و در هر حال، توجه داشته باشند که اگرچه از لحاظ جسمی، روز به روز بزرگتر می‌شوند، ولی در توانایی‌های ذهنی، همچنان محدودیت دارند.

۳. حمایت‌پذیر:

بهره‌هوشی این گروه، در حد ۲۵ و کمتر از آن است. از جنبه ظاهری، وضع چهره اغلب این کودکان غیرعادی است و توانایی کنترل خود را ندارند.

بسیاری از آنها در ایستادن و راه رفتن مشکل دارند. به لحاظ عاطفی نیز حالت بی تفاوت دارند. با آموزش‌های مناسب از طریق به کارگیری مکانیسم شرطی در بعضی از این افراد، آنها می‌توانند در برخی امور شخصی همکاری کنند؛ ولی در هر حال در اکثر موارد برای زنده ماندن، محتاج حمایت دیگران هستند.

### مفهوم بازنمایی:

دکتر عاملی می‌گوید: «منظور از بازنمایی یک نوع دلالت‌کننده‌ای که یا منعکس‌کننده واقعیت بیرونی است و یا تصویر دست‌کاری شده‌ای از عینیت خارجی است.»

ریچارد دایر نیز می‌گوید: «ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌هایی از واقعیت‌ها همانند افراد، مکان‌ها، اشیا، اشخاص و هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد می‌سازند، بازنمایی تلقی می‌شود.»

تجلی و نمودار شدن بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد. بنابراین مفهوم بازنمایی عبارت است از نحوه نمودارشدن، تجلی‌یافتن و پدیدارشدن یک واقعیت اجتماعی. رسانه‌های جمعی یکی از ابزارهای عمده بازنمایی جهان و انتقال آن به ما هستند و یکی از روش‌های این بازنمایی استفاده از روایت است. روایت‌های خبری از ساختار ویژه‌ای تبعیت می‌کنند که متناسب با فهم و منافع کارگزاران هر رسانه خاص شکل گرفته است.

بر این اساس، تکه‌تکه کردن یک پدیده اجتماعی و چسباندن این تکه‌ها در قالب یک فیلم و یک روایت، سلسله‌ای از تصاویر ذهنی را ایجاد می‌کند که

مخاطب با آن در کش و قوس بوده و دچار چالش می‌شود. مفهوم مسئله اجتماعی در فرایند بازنمایی، انگاره‌ها و پیش‌فرض‌های ذهنی برای مخاطب ایجاد می‌کند تا بتواند با نیازها و مفاهیم موجود، محیط پیرامون خود را بسازد و این ساخته را درک یا احساس کند.

در بررسی صورت‌گرفته، مفهوم بازنمایی تا حد این جزئیات پیش‌رفته و در نهایت قلمروی معنایی از این واقعیت‌ها را در دنیای مجازی ترسیم شده‌است.

#### روش بررسی:

به منظور شناخت و ارزیابی از چگونگی پردازش چهره واقعی زندگی معلولان و توفیق یا عدم توفیق این بازنمایی، بررسی تحلیل محتوای کیفی ۱۰ فیلم سینمایی ایران در حوزه معلولیت و همچنین ۱۰ فیلم تولید سینمای خارج (هالیوود) مورد نقد و بررسی قرار گرفت و با ایجاد شاخص‌ها و محورهای متداول در بررسی‌های کیفی، با توجه به تحلیل محتوای توصیفی-ارتباطی، همگون و متناسب با ساختار پژوهش حوزه‌های مهمی که می‌تواند در سه محور عمده زیرمفهوم بازنمایی را خلق کند، تبیین شد:

الف. نگاه کلی سینما به معلولیت

ب. چهره ترسیم شده از معلولیت

ج. کاراکترهای مناسب برای انتقال پیام

و هریک از این محورها در سه مقوله:

۱. سینمای ایرانی

۲. سینمای خارجی

۳. چشم انداز کلی؛ طبقه بندی شده است.

پس از آن، فیلم های انتخابی بازبینی شده و منطبق با شاخص های مزبور به کمک دستورالعمل استخراج و تجزیه فیلم ها به مقوله ها، به عنوان مهمترین ابزار جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل فیلم های سینمایی استخراج شد. به منظور پرهیز از خطا، ۲۰ فیلم مزبور توسط ۳ پژوهشگر ارتباط جمعی و رسانه ای به صورت مجزا بازبینی و به شاخص های مورد بررسی تجزیه شد.

یافته های استخراج شده پژوهشگران با آزمون های مختلف بین آزمودنی های متقارن شامل تحلیل آنالیز واریانس یک طرفه و اسپیرمن بررسی شد و با بیش از ۹۵ درصد اطمینان شباهت بین کدگذاری و استخراج یافته های هر سه پژوهشگر تأیید شد.

در انتخاب فیلم ها سعی شده است فیلم های مطرح سینمای ایران و جهان انتخاب شده تا تجزیه و تحلیل منطقی تری صورت پذیرد.



## این فیلم‌ها عبارتند از:

- بچه‌های ابدی / خانم پوران درخشنده / ۱۱۰ دقیقه
- هم نفس / آقای مهدی فخریم زاده / ۱۱۰ دقیقه
- مادر / شادروان علی حاتمی / ۱۳۰ دقیقه
- زمانی برای مستی اسب‌ها / آقای بهمن قبادی / ۷۴ دقیقه
- گل‌های داودی / آقای رسول صدرعاملی / ۱۰۰ دقیقه
- میم مثل مادر / شادروان رسول ملاقلی‌پور / ۱۱۰ دقیقه
- رنگ خدا / مجید مجیدی / ۹۰ دقیقه
- پرنده کوچک خوشبختی / خانم پوران درخشنده / ۱۱۰ دقیقه
- گیلانه / خانم رخشان بنی‌اعتماد / ۸۳ دقیقه
- وقتی همه خواب بودند / فریدون حسن‌پور / ۷۴ دقیقه
- پای چپ من / جیم شریدان / ۱۰۳ دقیقه
- خداحافظ آقای کول / جینگل ما / ۸۴ دقیقه
- ذهن زیبا / ران هاوارد / ۱۳۶ دقیقه
- گوژپشت نتردام / پیتر هوداک / ۸۴ دقیقه
- فارست گامپ / رابرت زیمیکس / ۱۴۲ دقیقه
- مکعب غواصی و پروانه‌ها / جولیان اشنایبل / ۱۰۲ دقیقه
- من سام هستم / جسی نلسون / ۱۳۲ دقیقه
- مرد فیل نما / دیوید لینچ / ۱۲۴ دقیقه
- قرار کور / جیمز کیچ / ۹۰ دقیقه
- دهکده / نایت شیمالان / ۱۰۸ دقیقه

### یافته‌ها و نتایج بازبینی فیلم‌ها:

بطور کلی در محورهای سه‌گانه بررسی و بازنمایی فیلم‌های مورد اشاره علاوه بر ضرورت انطباق شاخص‌های پیش‌بینی شده جهت استخراج و تجزیه اطلاعات، توجه به عامل زمان، محور اصلی تحلیل بوده است. بنابراین به سراغ این محور در تک‌تک داده‌ها رفتیم که در مقاله اصلی جزئیات آن اشاره می‌شود.

نتیجه زمان‌بندی مزبور به این شرح است:

۱ - مجموع زمان‌بندی معلولیت در فیلم‌های ایرانی:

الف. پرداخت اصلی: ۵۱,۳ درصد

ب. پرداخت حاشیه‌ای: ۴۸,۷ درصد

۲ - مجموع زمان‌بندی معلولیت در فیلم‌های خارجی:

الف. پرداخت اصلی: ۶۱,۶ درصد

ب. پرداخت حاشیه‌ای: ۳۸,۴ درصد

بنابراین در فیلم‌های خارجی جایگاه معلولیت به عنوان محور اصلی فیلم بیشتر به چشم می‌خورد و در فیلم‌های ایرانی میزان موضوعات حاشیه‌ای از حیث زمان‌بندی بیشتر است.

نتایج کلی بررسی بازنمایی فیلم‌های مورد بررسی در جدول‌های صفحات بعد آمده است.

نگاه کلی سینما به معلولیت			
نمای کلی	خارجی	ایرانی	
۲۵٪	۳	۲	معلولیت، بیماری است
۲۰٪	۲	۲	معلولیت، مشکل اجتماعی است
۴۰٪	۴	۴	معلولیت و پیامدهای آن، ناشی از فقر فرهنگی است.
۱۵٪	۱	۲	معلولیت، ناتوانی است
۷۰٪	۸	۶	نگاه مثبت به معلولیت
۳۰٪	۲	۴	نگاه منفی به معلولیت
۲۵٪	۰	۵	داستان قابل پیش‌بینی است
۷۵٪	۱۰	۵	داستان قابل پیش‌بینی نیست
۶۵٪	۸	۵	همسان با مفاهیم اخلاقی و دارنده نکات سازنده و ارزشی
۳۵٪	۲	۵	فاقد نکات ارزشی و نگرش منفی
۸۰٪	۹	۷	معلولیت، قصه اصلی فیلم
۲۰٪	۱	۳	معلولیت، قصه حاشیه‌ای فیلم
۹۰٪	۱۰	۸	دفاع از حق حیات و زندگی اجتماعی معلولان
۱۰٪	۰	۲	طردکردن آنها و قائل نبودن به حق حیات و زندگی اجتماعی

محور	جایگاه معلولیت	ایرانی . رمان به درصد	خارجی . رمان به درصد
معلولیت در	نقش معلول	۶۱,۶	۵۱,۳
عنصر نقش - رمان	نقش حاشیه‌ای	۳۸,۴	۴۸,۷

نمای کلی	خارجی	ایرانی	القای پیام با هویت کاراکتر	
۸۰٪	۹	۷	مرد . نقش اصلی	الف جنسیت
۱۰٪	۱	۱	زن ، نقش اصلی	
۱۰٪	۰	۲	هر دو	ب انواع نقش
۶۰٪	۸	۴	کاراکتر اصلی	
۴۰٪	۲	۶	کاراکتر حاشیه‌ای	ج انتخاب بازیگر
۵۰٪	۷	۳	معروف و شناخته شده	
۵۰٪	۳	۷	ناشناخته و جدید	

نمای کلی	خارجی	ایرانی	شخصیت و چهره‌سازی معلولان	
۳۵٪	۳	۴	ناتوانی ذهنی	الف
۵۰٪	۷	۳	ناتوانی جسمی	
۱۵٪	۰	۳	هر دو نوع	
۵۵٪	۶	۵	معلولیت، همراه با خشونت	ب
۴۵٪	۴	۵	معلولیت بدون خشونت	
۱۵۵	۱	۲	ضد اجتماعی، ناهنجار و ضد با جامعه	ج شخصیت فر معلول
۱۱٪	۴	۷	هنجار، همگرا و همسو با جامعه	
۲۰٪	۲	۲	اجتماع‌گریز، منزوی و دچار ترس	
۱۵٪	۳	۰	الگو و دارای ویژگی‌های مثبت	د
۶۵٪	۷	۶	مقایسه معلولان و افراد عادی جامعه در جهت مثبت	
۲۵٪	۳	۴	مقایسه معلولان و افراد عادی جامعه در جهت منفی	